



مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی

عنوان: ماوراء الطبیعه‌ی گفتمان میان مذهب: دیدگاهی قرآنی

مؤلف: دکتر رضا شاه‌کاظمی

خلاصه:

این مقاله قرآن را به عنوان منبعی از گفتمان در میان نظام‌های عقیدتی مختلف معرفی می‌نماید. با تفسیر استادانه از آیات متعدد قرآنی در سنت تصوف، این ادعا مطرح می‌شود که قرآن نه تنها پشتیبان تکثر ادیان در دنیای امروز است، بلکه آنرا از با تمام وجود تشویق می‌کند و همزمان شدیداً با ملی‌گرایی مذهبی و تعصب مخالفت می‌کند. در تلاش برای دستیابی به تفاهم، درک و هماهنگی، ضروری است که مسلمانان آنچه را که همه‌ی ملل در نظام‌های عقیدتی مختلف را متحد می‌سازد، برجسته کنند تا بتوانند وارد گفتمانی سازنده و الهام بخش با دیگران شوند. قرآن مسلمانان را به درک ادیان و ملل دیگر به عنوان ابزاری برای رسیدن به شهود معنوی امر می‌کند: شناخت خود، شناخت دیگران و شناخت خدا به طور جدایی‌ناپذیری به هم متصلند.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

فهرست مطالب

- مقدمه
- بخش ۱
 - وحدت، هویت و نفس
 - بستن یک پارچه
 - ماوراءالطبیعه‌ی توحید
 - منیت خدا
 - موجودات فانی
 - خداوند برتر است
 - دریافت نسبیت
 - خداوند در باطن انسان موجود است
 - خداوند بر خود آگاه است
 - ضرورت تنوع نوع بشر
 - ضرورت گفتمان
 - توحید واقعی
 - وجه خداوند
 - مبانی معنوی برای مدارا و ادب
- بخش ۲
 - معنای جهانشمول اسلام
 - مذهب مطلق
 - فطرت- خلوص ازلی
 - موسی و خضر، دانش ظاهری و باطنی
 - اسلام در برگیرنده‌ی تمام کتب مقدس
 - تنوع راه‌ها به اراده‌ی خداوند است
 - رستگاری به مؤمنان وعده داده شده است
 - رد انحصارطلبی مذهبی و ملی
 - از محدود ساختن خداوند به عقاید خود حذر نمایید
 - نظریه‌ی نسخ
 - جهانشمولی در تقابل با بستر محوری
 - مکان‌هایی که خداوند در آنها نیایش می‌شود
 - عطر عالمگیر معشوق

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

- گفتمان روحانی به رغم اختلاف‌های کلامی
- بحث در آیات جدلی در قرآن
- تأکید بر آنچه موجب اتحاد می‌شود

مقدمه

مایلم بحث خود را با ابراز قدردانی صمیمانه از پروفیسور جیمز کاتسینگر به علت دعوت من به این کنفرانس آغاز کنم و برای همه‌ی کار سخت، سازمانده‌ی بسیار دقیق و مهمان‌نوازی گرمش، از وی تشکر کنم. براستی که افتخاری است که در چنین جمعی حاضر باشم و امتیازی خاص است که بتوانم در محضر دو محقق که آنها را معلمان خود می‌دانم، پروفیسور نصر و پروفیسور چیتیک، سخن بگویم که وامدار و قدرشناس خدمات ممتازشان در عرصه‌ی معنویت اسلامی هستم.

وقتی استاد کاتسینگر از من برای ارایه‌ی مقاله دعوت نمود، پس از تفکری چند، تصمیم گرفتم خود را به قرآن به عنوان منبعی الهام‌بخش برای گفتمان میان ادیان ارجاع دهم. من به این دلیل این تصمیم را نگرفتم که چون مطالعه‌ی قرآن خبره هستم؛ من هنوز در ابتدای راه تعامل علمی با این متن مقدس هستم. این تصمیم را گرفتم چون احساس کردم که ابعاد ماوراءالطبیعه و معنوی قرآن، آنگونه که در سنت تصوف تفسیر و تشریح شده است، برای آنهای که در حیطه‌ی گفتمان مذهبی مشغول‌اند، به خصوص کسانی که مذاهب مختلف را «راه‌هایی فراوان به سوی دل» می‌دانند، سخنان فراوان برای گفتن دارد.

من (در آن زمان) نمی‌دانستم که آشکار ساختن معنویت و جهانشمولی قرآن در میان خود و برای دیگران برای همه‌ی مسلمانان به چنین ضرورتی تبدیل می‌شود. وقایع غم‌انگیز مستمر اخیر به بحث داغ در مورد ماهیت مذهب اسلام و به طور قطع، پیام اصلی کتاب اساسی آن شتاب بخشیده است. من بر همین اساس، بخش اول مقاله‌ام را اصلاح کرده‌ام تا بیشتر بر شیوه‌ای تمرکز نمایم که اگر گفتمان قرآنی به آن شیوه در سطحی معنوی درک شود، پادزهری موثر برای زهر تعصب مذهبی و یک نیروی قدرتمند برای روح هماهنگی میان ادیان است.

در این بخش اول از مقاله به طور بسیار خلاصه به مضامین اساسی خاصی از عرفان-تصوف یا معرفت اشاره می‌کنم که در پیام قرآن ریشه دارند، و به طور خلاصه به برخی از پیامدهای آنها در برقراری ارتباط با «دیگری» اشاره می‌کنم؛ در بخش دوم بحث، هدف این است که نشان دهم که چگونه مفهوم معنوی ذات اسلام راهی را می‌گشاید که منتهی به قلب چنین مذهبی می‌شود. در نهایت، سلسله‌ای از آیات قرآن را ارایه خواهم کرد که از این دیدگاه ذات‌گرایانه حمایت کرده و به وضوح آنچه را که فریتجوف اشکون آن را با ذکاوت «ناسیونالیسم مذهبی» خوانده است رد می‌کند؛ ناسیونالیسمی که با رد سایر مذاهب تنها یک مذهب را حقیقت می‌داند.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

بخش ۱

وحدت، هویت و خود

نظریه‌های ماوراءالطبیعه‌ی تصوف می‌تواند به عنوان بسط و شرح‌هایی متعدد بر پیام اساسی قرآن یعنی اصل توحید قلمداد شود که در قاعده‌ی عقیدتی لا اله الا الله- خدایی نیست جز خدا- بیان شده است. در حالی که از منظر کلامی این اعلان تأکیدی نسبتاً ساده بر فردیت الوهیت و نفی «خدایان» دیگر است، اما از منظر مابعدالطبیعه، این قاعده تأکید بر ماهیت حقیقی هستی است- هیچ وجودی به جز آن وجود نیست. بنابراین توحید کلامی به توحید وجودی تبدیل می‌شود؛ همان نظریه‌ی یگانگی وجود که به خصوص با مکتب ابن عربی شناخته می‌شود.

دیدگاه‌های ماوراءالطبیعه‌ی تصوف درباره‌ی پیام مرکزی قرآنی توحید با وجود این که به ظاهر تنها دغدغه‌ی آن دسته از عرفایی است که به تصوفی معتقدند که تنها متوجه عالم دیگر و درون‌گرایانه است، اما در واقع شدیداً مربوط به مضمون گفتمان است. به طور خاص، آثار اصل توحید در مفاهیم «خود» و «دیگری» می‌تواند دارای ارزشی فوق‌العاده در کمک به غلبه بر یکی از موانع کلیدی در راه گفتگویی پایه‌ای و برابر در جهان چند مذهبی امروز باشد.

بستن یک پارچه

این مانع شامل مفهوم «هویت» یا «فردیت» است که به مفهومی مبهم، جامد و یا سخت تبدیل شده است. وقتی که «خود» به عنوان معیار مطلق برای درآمیختن با دیگر تلقی می‌شود، مفهومی خفه‌کننده از هویت بوجود می‌آید که مستقیماً به خوراک وطن‌پرستی افراطی، کونه‌فکری و تعصب تبدیل می‌شود- خصوصیات که توسط لغت عربی «تعصب» بیان می‌شود. در معنای ریشه‌ای، این کلمه به طور استعاری نوعی خودستایی را تداعی می‌کند که شکل‌دهنده‌ی خمیرمایه‌ی تمامی اشکال افراطی‌گری است: معنای لغوی اولیه‌ی تعصب پیچیدن یک پارچه در اطراف سر خود است.

شخص به معنای واقعی کلمه در خود پیچیده و محبوس می‌شود، هر لایه‌ی پارچه دغدغه‌ی اولیه‌ی شخص با قالب جمودیاخته‌ی هویت خود را نشان می‌دهد. شخص در درون «بافتی» ذهنی که توسط تعصبات خود شخص بافته شده است زندانی می‌شود؛ همزمان که سر بزرگ می‌شود، ذهن کوچک‌تر و باریک‌تر می‌شود. نیازی به گفتن نیست که این امر هیچ ربطی به نماد مثبت محترمانه‌ترین شکل از پوشش سر یعنی عمامه ندارد.

اگر «من» در شکلی شبه-مطلق، نماد نفس، خانواده، ملت و یا حتی مذهبی که شخص به آن تعلق دارد باشد، آنگاه به «دیگری»- در هر سطحی- به همین ترتیب شخصیتی شبه مطلق داده می‌شود. دقیقاً چنین مفهوم‌های انحصاری از «خود» و «دیگری» است که به ترکیب سوء ظن و ترس، تعصب و تقابل کمک می‌نماید.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

ماوراءالطبیعه‌ی توحید

از سوی دیگر، ماوراءالطبیعه و یا علم توحید، تمام برداشت‌های محدود از هویت را بیشتر از آنکه منسوخ کند، تلطیف می‌کند؛ آنها را در جایگاه خود قرار می‌دهد نه آنکه همه را با هم یکسان‌سازی نماید. هر مفهوم قابل ادراک از هویت را نسبت به وجودی مطلق تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، تضمین می‌کند که هیچ مفهوم معین رسمی از «خود» مطلق‌انگاری و یا هر چند غیرآگاهانه به عنوان بت «پرستش» نگردد. ماوراءالطبیعه‌ی توحید کلی را می‌توان کامل‌ترین و مؤثرترین پادزهر برای تعصب دانست چرا که این بت‌پرستی خود به عنوان نوعی از بت‌پرستی به طور موجز در سؤال قرآنی «آیا دیده‌ای آن کس را که هوای خود را خدای خود قرار می‌دهد؟» (۲۵:۴۳؛ تقریباً معنای یکسان در ۴۵:۲۳)

در قرآن، خداوند در هنگام تجلی‌اش در بوته‌ی سوزان به موسی می‌گوید «من، من هستم الله» (ائی اناالله). توضیح فوق‌العاده مهمی که در ادامه می‌آید توسط امام جعفر صادق، امام ششم شیعیان بیان شده است که در سنت تصوف نیز به عنوان یکی از قطب‌ها (اقطاب) و یا صاحب جایگاه بسیار متعالی در نسل‌های اولیه‌ی (صوفیان) به شمار می‌آید. این توضیح در تفسیری می‌آید که بعدها تأثیری عمیق بر ظهور متعاقب نظریه‌ی تصوف داشت.

منیت خداوند

«شایسته نیست که هیچ کس به جز خدا درباره‌ی خود با این سه کلمه «من، من هستم» (ائی انا) سخن بگوید. من (که بنا بر تفسیر امام صادق به معنای موسی است) توسط بهت متوقف شد و نابودی (فنا) صورت گرفت. آنگاه من گفتم: تو! تو آن هستی که تا ابد خواهد بود، و موسی در حضور تو هیچ جایگاهی ندارد و نه جسارت آن که سخن گوید، مگر آنکه تو به او رخصت سخن دهی، مگر آنکه تو به وی اجازه دهی که در جوار بقای تو زندگی کند.

الخراز، یکی دیگر از تشریح‌کنندگان مهم اولیه‌ی نظریه‌ی تصوف، معرفت یا عرفان را در رابطه با این اصل یگانگی منیت خداوند تعریف می‌کند: «فقط خدا حق دارد که بگوید من. چرا هر کس که بگوید «من» به درجه‌ی معرفت نخواهد رسید.

دنیای فانی

با این حال ممکن این اعتراض مطرح شود که در اینجا چنین آرمان‌های والای ماوراءالطبیعه‌ای و حالت‌های معنوی که به آن اشاره می‌شود، تنها می‌تواند دغدغه‌ی معدودی از عرفا و آنهایی که به درجات متعالی رسیده‌اند باشد. آیا مردم عادی که درگیر گفتمان و همزیستی با جهان مدرن هستند، واقعا از چنین دیدگاه‌هایی طرفی خواهند بست؟ پاسخ ما بی‌درنگ مثبت است. چرا که نه تنها اصول مورد نظر- حتی در حیطه‌ی استدلال- به حل انجماد در فردیت که به غرور و نخوت در سطوح فردی و جمعی می‌انجامد، کمک خواهد کرد، بلکه به طور مستقیم‌تر، آیات قرآنی مهمی که این اصول و دیدگاه‌ها از آن بوجود می‌آید در دل خواننده‌ی پذیرا، حسی نافذ از فناپذیری همه چیز بوجود می‌آورد که از مهمترین آنها نفس و زواید چند لایه‌ی آن است.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

دو مورد از مهمترین این آیات عبارتند از:

«همه چیز به جز وجه (یا ذات) او مردنی است.» (۲۸:۸۸)

همه چیز در آنجا گذرا است و تنها وجه خدای باقی است، او که صاحب جلال و بخشندگی است (ذوالجلال و الاکرام).

خداوند برتر است

لازم به توجه است که در اینجا واژه‌هایی که نشان‌دهنده‌ی طبیعت زودگذر همه‌ی موجودات است- هالک یعنی میرا، و «فان» به معنی گذرا و یا محوشونده- هر دو دارای زمان مضارع هستند: اینچنین نیست که موجودات در نقطه‌ای از زمان آینده به عدم و یا نابودی می‌رسند؛ آنها در واقع همینجا و هم‌اکنون و درست در برابر چشمانمان در حال نابودی هستند. آنچه در آینده نخواهد بود، از منظری خاص هم‌اکنون نیز «نیست» و شخص این امر را نه تنها در لحظات وصف‌ناشدنی تجربه‌ی عرفانی درمی‌یابد، بلکه همچنین در خود مرتبه‌ای از فهم این اصل که: وجود از پایان‌پذیری، لغو، انقراض و عدم اثر نمی‌پذیرد. آنچه کاملاً واقعی و موجود است آن چیزی است که ابدی است: تنها وجه پروردگار است که ماندنی است. در مقابل، تمام آنچه غیرجاودان است، درست به همین دلیل در تحلیل نهایی غیر واقعی است.

ادراک نسبیت

تفکر در آیات مذکور می‌تواند حس نسبیت در همه چیز و بالاخص نفس را در برابر تنها حقیقت یکتای مفرد افزایش دهد. به جای آنکه به مفهومی خودمحور از نفس خود میدان داده شود تا به مذهب و حتی خدا تحمیل شود، چنین دیدگاهی به ایجاد دیدگاه متضاد این خودمحوری کمک می‌کند: تا خود نفس را از منظر ابدیت، گونه‌ای فانی بداند. نتیجه‌ی این امر درکی قوی‌تر محدودیت‌های اساسی خود است: خطوطی که خود (نفس) را مشخص و تعریف می‌کنند به گونه‌ای واضح‌تر در پس‌زمینه‌ای بی‌کران درک می‌شوند.

بنابراین، آنچه مورد پرسش است مفهوم عرفانی مبهمی از توهم جهانی نیست بلکه، درکی قوی، واقعی و مؤثر از مفاهیم معنوی است. محدودیت‌ها- از لحاظ وجودی و تظاهرات نفس- از لحاظ روانی- آشکار می‌شوند و یک خدامحوری آگاهانه جایگزین تمامی نفس‌محوری‌های اغلب ناآگاهانه می‌شود: هیچ چیز به جز خداوند، مطلق نیست. در اینجا اولین درس عمده‌ی عرفان تصوف برای آنهایی که درگیر گفتمان (با دیگری) هستند، نهفته است؛ درسی منفی، به معنای نفی نفس‌محوری که یکی از نیروهای محرکه‌ی اصلی تعصب‌ورزی است.

خدا در همه چیز جاری است

در درس دوم، این مثبت بودن است که از جنبه‌ی تکمیلی عرفان جاری می‌شود، ماندن یا بقا که پس از فنا می‌آید. این مربوط به مضمون ابدیت است. برآستی آیات ذکر شده در بالا تنها بر واقعیت منحصر به فرد خدا دلالت نمی‌کنند؛ این آیات همچنین حاوی اشاره‌ای ظریف به این بعد تکمیلی فراگیر وجود خداوندی هستند.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

وجه خداوند که تنها وجود ماندگار است نه تنها ذات ملکوتی برتری است که در مقابل آن تمام موجودات هیچ هستند، بلکه حضوری ابدی است که در همه چیز جاری و بر همه چیز محیط است، و شکل‌دهنده‌ی معنای واقعی آنها است. باید به شش آیه‌ی ذیل که به این بعد مکمل فراگیر وجود خداوند اشاره می‌کنند توجهی دقیق داشت.

و به خدا تعلق دارد شرق و غرب، و به هر جا که رو کنی وجه خدا در آنجا وجود دارد (۱۲:۱۱۵)

وی با تو است، هر کجا که باشی (۵۷:۴)

ما به او (انسان) از رگ گردن نزدیکتر هستیم (۵۰:۱۶)

بدانید که خداوند در بین انسان و قلب وی می‌آید (۸:۲۴)

آیا او به همه چیز محیط نیست؟ (۴۱:۵۴)

وی اول و آخر، و ظاهر و باطن است (۵۷:۲)

هر کدام از این آیات حاوی بذری از عمیق‌ترین نظریه‌های معنوی است؛ و هر کدام به پربارترین مراقبه‌ها به سوی آن پررمز و رازترین موجود در میان تمامی موجودات می‌انجامد، جاری بودن آن وجود مطلق در تمامی آنچه موجود است؛ از تمام آنچه از منظری دیگر «غیر از خدا» است.

خدا خود را می‌شناسد

قبل از پرداختن به مسئله‌ی جاری بودن خداوند در همه چیز در ارتباط با این بحث، مفید است که اجمالاً درباره‌ی کارکرد نسبیت و یا «دیگر بودن» در رابطه با خدا تأمل کنیم، چرا که این امر نیز برای گفتمان دارای اهمیت خاص خود است. این «دیگر بودن» توسط ابن عربی به عنوان کانونی توصیف شده است که خدا در آن خود را به خود نشان می‌دهد، «چرا که دیدن یک چیز توسط خود آن چیز با دیدن خود در دیگری همانند دیدن خود در آینه یکسان نیست.»

کاربرد آنچه ظاهراً «دیگری» است، در سطح خودافشایی خداوند، ممکن سازی حالتی خاص از خودشناسی است. شخص در اینجا حدیث قدسی را به یاد می‌آورد که در معنویت تصوف بسیار بنیادی است: «من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم شناخته شوم، بنابراین جهان را خلق کردم». شخص می‌تواند این جسارت را به خود بدهد که بگوید، در اینجا نوع ازلی ماوراءالطبیعه‌ی نهایی تمامی «گفتمان‌ها» نهفته است. آنچه در اینجا با آن روبرو هستیم نوعی گفتمان یا ارتباط میان جنبه‌های مختلف از وجود مطلق خدا است؛ گفتمانی که با واسطه‌گری نسبیت صورت می‌گیرد.

ضرورت تنوع بشر

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

حال اگر خلقت جهان از عشقی الهی برای حالتی خاص از خودشناسی می‌جوشد، قرآن نشان می‌دهد که تفاوت‌ها در میان نوع بشر از نظر جنسیت، قومیت و نژاد نیز در راستای تحقق نوعی از معرفت است:

«ای انسان، به راستی ما شما را مرد و زن آفریدیم و شما را در ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا بلکه یکدیگر را بشناسید. بر راستی گرامی‌ترین شما در نزد خدا، با تفاوت‌ترین شما است» (۴۹:۱۳).

تمایز و تفاوت در اینجا به عنوان خواست الهی و به عنوان وسیله‌ای برای کسب دانش تأیید شده است. باید توجه داشت که کلمه‌ی (عربی) استفاده شده برای شناخت یکدیگر - تعارفوا - و برای شناخته شدن در عبارت قرآنی - عرف - از یک ریشه‌ی یکسان مشتق شده‌اند و با معنای دانش معنوی یا عرفان هم‌ریشه است که چکیده‌ی آن در حدیث معروف «هر کس که خودش را بشناسد پروردگارش را شناخته است» بیان شده است. بنابراین خودشناسی، شناخت دیگری و شناخت خداوند همه در هم تنیده‌اند و باید به عنوان مکمل و تقویت‌کننده‌ی متقابل یکدیگر دیده شوند، که هر عنصر دارای نقشی در حصول دانش معنوی و معرفت بازی می‌کند.

ضرورت گفت‌وگو

آیه‌ی ذکر شده در بالا اغلب به عنوان یک سند نوشته برای اثبات ضرورت حفظ گفت‌وگو، برقراری اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و نشان‌دهنده‌ی تقدیر الهی در تنوع انسان مطرح می‌شود. حال اگر چه این آیه بر راستی چنین اصولی را اثبات می‌کند، اما مفهوم آن عمیق‌تر، پیام آن جذاب‌تر و گستره‌ی آن وسیع‌تر است به گونه‌ای که آگاهانه به اصل ماوراءالطبیعه‌ای خودشناسی از طریق خودافشاگری خداوند مربوط است. به این ترتیب، گفت‌وگو در اینجا - گفت‌وگویی که ریشه در تمایلی صادقانه به آگاهی و درک بالاتر هم از «دیگری» و هم از خود دارد - می‌تواند به عنوان بازتابی از و شرکت در روندی باشد که از طریق آن، خداوند خودش را در حالتی خاص و متمایز می‌شناسد؛ یعنی نه در رابطه با ذات یگانه و ابدی خود بلکه از منظر تجلی «گوهری» که محتوای آن ذات را تشکیل می‌دهد و یا در آن نهان است.

هیچ چیزی در خلقت وجود ندارد که از این ضرورت هستی‌شناختی «شناساندن» گوهر الهی تبعیت نکند. قرآن بارها به این قانون جهانشمول در قالب تحسین و ستایش اشاره می‌کند: «هفت آسمان و زمین و آنچه در آنهاست به تسبیح او مشغولند و هیچ چیز وجود ندارد مگر آنکه حمد و ثنای وی می‌کند ولی شما تسبیح آنها را درک نمی‌کنید» (۱۷:۴۴). «آیا ندیده‌ای که خداوند، همان کسی است که همه‌ی ساکنان آسمانها و زمین وی را ستایش می‌کنند؟ و پرندگان در پرواز: هر کدام بی‌تردید نماز خود و شیوه‌ی حمد و ثنای خود را می‌دانند» (۲۴:۴۱).

توحید حقیقی

حال به موضوع جاری بودن حضور الهی در همه چیز باز می‌گردیم. آیه‌ای که قبلاً ذکر شد، «همه چیز به جز وجه او فانی است» هم به برتری و هم به حضور در همه چیز اشاره دارد. این امر توسط غزالی در تفسیر مشهور وی

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

از این آیه تشریح شده است. بالاترین عرفا، به گفته او، اعتقاد دارند که همه چیز دو وجه دارد، یکی مربوط به خود، و دیگری مربوط به خدا؛ تنها این وجه خداوند در همه چیز است که واقعی است و این چهره‌ی الهی است که توسط عرفا پس از حصول به درجه‌ی فنا دیده می‌شود. همه‌ی انواع تعدد برای آنها از بین می‌رود و یگانگی مطلق به دست می‌آید. غزالی می‌گوید که این امر در زبان واقعی، توحید، یعنی یکی ساختن حقیقی نامیده می‌شود.

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که: آیا میان رد تعدد نوعی، که عمیق‌ترین سطح توحید مدعی آن است و تصدیق تکثر انسانی مخلوق خدا تناقضی نیست؟ یک راه تبدیل این تناقض ظاهری به تجلی عمق معنوی عبارت است از تأکید بر اصل «چهره‌ی» الهی در درون هر چیز است.

وجه خداوند

صوفیانی که در «وجه» خاص خود فنا شده‌اند- یا به عبارتی از عدم وجود خود رها شده‌اند- دروجه خداوند زنده می‌شوند که وجود حقیقی آنها را تشکیل می‌دهد، همان حضور فراگیر خداوند در درون‌شان و همچنین در درون هر آنچه وجود دارد: به هر طرف که رو کنی وجه خدا موجود است. حال دقیقاً آن وجهه خدا در همه چیز و در همه‌ی ملل و مردم دیگر است که اگر این درجه از توحید درست درک شود، می‌تواند در کانون توجه قرار بگیرد.

و انسان برای درک این اصل نیاز ندارد تا موهبت فنای عرفانی را تجربه نماید. همان گونه که غزالی می‌گوید، درک این اصل برای انسان، نه تنها «ذوقاً»- یعنی با چشیدن- یا تجربه‌ی عرفانی، بلکه از طریق «عرفاناً علمياً» به عنوان حالتی از دانش معرفتی نیز ممکن است. اگر تحقق عرفانی این اصل «مزه»ای از توحید ارایه می‌کند، با پیروی از غزالی می‌توانم بگویم که جذب فکری این اصل، «عطری» از توحید به ما ارزانی می‌کند.

اگر درجه‌ی غایبی عرفان توحید تنها از طریق فنا ممکن است، درجات پایین‌تر دست‌کم این مفهوم را میرسانند که «عطر» و یا تصویر فنای عرفانی که مستلزم محو خود است، تواضع است. جذب فکری این دیدگاه از وحدت، به همراه جهت‌گیری به سوی تواضعی که می‌طلبد، مطمئناً برای حل گره‌های خودمحوری که خمیرمایه‌ی تمامی اشکال تعصب است، کافی‌ست.

آنچه از درک آثار عمیق‌تر توحید ناشی می‌شود، اوج بصیرت معنوی است: به عبارتی، هم احساس نیستی خود در برابر وجود الهی و همچنین تقدس ذاتی و وجه خدایی در درون «دیگری». وجود برتر خدا که در برابر آن انسان به فنا می‌رسد به گونه‌ای رمزآلود در درون «دیگری» حضور دارد. در اینجا آن زیربنای معنوی این ارتباط حیاتی را که اغلب و مکرراً در اخلاق تصوف به آن تأکید شده است، بین فروتنی و سخاوت، بین امحاء خود و ایثار می‌بینیم؛ که اولی، نوعی از فنا در بستر اخلاق و دومی بیان سیرت یا تجلی توحید است.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

مبانی معنوی برای مدارا و ادب

به این ترتیب احترام به همسایه‌ی خود بواسطه‌ی این که شخص از حضور خدا در درون و ورای خود و همسایه آگاه است عمیق می‌شود. در اینجا می‌توان گفت که یکی از مبانی معنوی ادب، که اگر به معنای تکریم نباشد به معنای احترامی ژرف نسبت به «دیگری» است، موجود است که جوهره‌ی حقیقی تمامی اشکال ظاهری و اجتماعی آداب و ادب، خلق نیکو و نزاکت نسبت به همسایه را تشکیل می‌دهد.

به این ترتیب شخص می‌بیند که «کثرت‌گرایی مذهبی» به آن اندازه که «وحدت ماوراءالطبیعه‌ای» مدارایی ریشه‌دار و فراگیر ایجاد می‌کند تأثیر ندارد. وحدتی که به صورت قاعده‌ای که باید از آن تبعیت یا آنرا نقض کرد نیست بلکه آنچه بوجود می‌آید حالتی از مدارا است که به طور طبیعی به آگاهی از حضور خداوند در تمامی موجودات مربوط است، یک احساس مقدس دانستن همه‌ی موجودات.

بخش ۲

معنای جهان‌شمول اسلام

در این بخش دوم سخنرانی، می‌خواهم با تأکید بر یک جنبه از معنای کلمه‌ی اسلام، معنای لغوی آن یعنی معنای تسلیم شروع کنم و نشان دهم که چگونه از دیدگاه تصوف در قرآن، چنین مفهومی از مذهب بر سایر معانی مذهب پیشی می‌گیرد.

به گفته‌ی یکی از معتبرترین مترجمان قرآن، محمد اسد، خود کلمه‌ی «اسلام» توسط شنوندگان این کلمه در زمان نزول قرآن در معنای کلی و جهان‌شمول آن درک می‌شده است و نه در معنای (خاص) اقلیتی آن. این معنا به وضوح در آیات بسیاری که حاوی کلمات مسلمان و اسلام است، ظاهر می‌شود. در آیه‌ی زیر، اصل تسلیم (اسلام) کلی معادل دین خدا دانسته می‌شود:

«آیا آنها به دنبال دینی به جز دین خداوند در حالی که هر آنکه در آسمان و زمین است خواسته یا ناخواسته به او اسلام می‌آورد (تسلیم می‌شود)؟ و به سوی وی باز خواهند گشت.»

دین مطلق

کاشانی مفسر کمک می‌کند تا ماهیت این دین خدا را با وضوح هر چه بیشتر بشناسیم. او این کار را در تفسیر باطنی خود از دو مجموعه از آیات انجام می‌دهد. نخست در رابطه با آیه‌ای که اعلام می‌کند که دینی که بر محمد پیامبر نازل شد همان دینی است که بر پیشینیان او نازل شده بود:

«او [خدا] بر تو همان دینی (من الدین) را مقرر نموده است که به نوح فرمان داد و آنچه را که ما به تو [محمد] نشان دادیم و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی فرمان دادیم که می‌گوید: «دین را برپا دارید، و در آن متفرق نباشید...» (۴۲:۱۳).

کاشانی چنین توضیح می‌دهد:

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

«او دینی را بر تو مقرر کرده است که دین مطلق است که خدا به همه‌ی پیامبران برای برقراری آن مأموریت داده است تا حول آن متفق باشند و نه متفرق. این است اصل و ریشه‌ی دین (اصل الدین)... این با جزئیات شریعت متفاوت است (دون فروع الشریعة)، که بواسطه‌ی آنها [پیامبران] متفاوت متفاوتند. این تفاوت مطابق با آنچه که در [شرایط مختلف] مفیدتر است رخ می‌دهد- از جمله نحوه‌ی طاعت، عبادت و آمیزش اجتماعی. همان گونه که خداوند باری تعالی می‌فرماید: «برای هر یک، از میان شما یک قانون و راه مقرر نمودیم» (۵:۴۸)

تفاوت بین مذهب «مطلق» یا بی قید و شرط (الدین المطلق) با اشکال مختلفی که این ذات منحصر بفرد می‌تواند به خود بگیرد توسط کاشانی از نظر دوام و تغییرناپذیری توصیف شده است. وی چنین ادامه می‌دهد:

«پس دین راستین (الدین القیم) بسته به آن است که در علم و عمل تغییرناپذیر است (ما لا یتغیر)؛ در حالی که قانون شریعت بسته به آن است که در قواعد و شرایط تغییر می‌کند.»

ماهیت این دین تغییرناپذیر، همراه با ارتباط اساسی آن با طبیعت ازلی انسان (فطرت) توسط کاشانی در تفسیری درخشان از آیه‌ی مهم زیر تشریح شده است:

«پس همچون خالصان هدف خود را دین قرار بده - فطرت خدا، که بر طبق آن انسان را آفرید، هیچ تغییری در خلقت خداوند وجود ندارد. دین راستین این است، اما بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۰:۳۰)

کاشانی توضیح می‌دهد که:

«پس هدف خود را دین توحید قرار بده و این طریق الحق است یا دین در معنای مطلق آن. هر آنچه که غیر از این است «دین» نیست، به علت جدایی‌اش از [راهی که منجر می‌شود به] رسیدن به هدف. هدف [یا وجه در آیه‌ی مزبور] اشاره به ذات موجود با تمام طرح‌ها و خواص تصادفی آن است؛ و وضع آن به عنوان دین، عبارت است از رهایی از همه‌ی آن چیزهایی که غیر از آن حقیقت‌اند، صادق بودن در توحید و بسنده کردن به آن حقیقت و بی‌توجهی و بی‌پروایی نسبت به خود یا دیگران، به گونه‌ای راه او راه خدا باشد؛ و دین او و صراط او دین و صراط خدا باشد، چرا که او هیچ چیز به جز او در عالم وجود نمی‌بیند.

فطرت: خلوص ازلی

«یعنی ایشان به فطرت الهی چنگ می‌زنند که حالتی است که مطابق آن وجود بشر خلق شده است- خلوص ابدی و رستگاری، و این دین راستین (الدین القیم) است در ابدیت بدون آغاز و انجام، هرگز تغییر نمی‌کند و یا از خلوص اولیه‌ی خود دور نمی‌شود و یا از آن توحید ذاتی ازلی.

فطرت به عنوان نتیجه‌ی مقدس‌ترین فوران (فیض الاقدس) ذات الهی تعبیر شده است و هیچ کس که به این ماهیت اولیه وفادار باشد نمی‌تواند دچار انحراف از توحید شود و یا به علت حضور پدیده‌ها (ی مادی) از وجود خدا غافل بماند. کاشانی این حدیث را نقل می‌کند: «هر کودک با فطرت زاده می‌شود، والدین او هستند که وی را یهودی، مسیحی و یا مانوی می‌کنند». ولی او سپس این نکته‌ی بسیار مهم را اضافه می‌کند: «این گونه نیست که این واقعیت نهفته خود تغییر می‌کند به گونه‌ای که کیفیت اساسی آن عوض شود زیرا چنین تغییری غیر ممکن است. این معنای سخنان او است که «هیچ تغییری در خلقت خدا ممکن نیست. این دین راستین است اما بیشتر مردمان از آن بی‌خبرند.»

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

فطرت در اینجا به عنوان قرابت بنیادی - با «اساسی» میان عمیق‌ترین بعد روح انسان و حقیقت‌های غایی بیان شده از طریق وحی الهی دریافت می‌شود؛ خالص‌ترین عنصر درون عمیق‌ترین حقایق نازل شده از بالا را به خوبی منعکس می‌کند.

موسی و خضر- دانش ظاهری و باطنی

قبل از پرداختن به این مفهوم دین ذاتی یا چنین مذهبی با استفاده از آیات قرآنی خاص، مهم است که به طور خیلی خلاصه به دیدار مطرح شده در قرآن میان حضرت موسی و شخصی رمزآلود به نام خضر که البته نام وی در قرآن نیامده است پردازیم. حتی در جنبه‌ی ادبی، داستان به تمایز میان شکل (ظاهری) مذهب و ذات برتر آن اشاره دارد، میان دانش ظاهری و باطنی. در این دیدار اشکال خاصی از شریعت و عرف اجتماعی توسط خضر نقض می‌شوند که دارای قدرت دریافت مستقیم وحی الهی در مورد واقعیت‌های نهان شریاطی است که در آن نقض قانون صورت می‌گیرد.

یکی از استفاده‌هایی که ابن عربی از این داستان می‌کند طبیعت سری و باطنی موجود داستان را تقویت می‌کند. وی این داستان را به نظریه‌ی مهم برتری ولایت بر نبوت مربوط می‌کند؛ نظریه‌ای که به شدت از آن برداشت اشتباه شده است. ولایت برتر است چون دانش مربوط به آن جهانی و فراگیر است در حالی که نبوت پایین‌تر است از این جهت که دانش موجود در آن محدود به پیامی خاص است. اینجا مسئله اولویت اصل است و نه برتری شخصی: ولایت جهان‌شمول‌تر از نبوت است، اما پیغمبر همواره نسبت به ولی و قدیس بالاتر است چرا که تقدس پیامبر منبع تقدس قدیس (ولی) است. بنابر گفته‌ی ابن عربی، برخورد بین موسی و خضر در قالب یک جهان کوچک درک می‌شود: خضر نشان‌دهنده‌ی یک نوع آگاهی جهان‌شمول در درون روح موسی است که از آگاهی وی به عنوان پیامبر پیشی می‌گیرد. این نظریه‌ای پیچیده اما مهم است که به وضوح، نسبی بودن قانون ظاهری را در مقابل روح باطنی جهان‌شمول تصریح می‌کند و ما باید با آن در این بستر توجه نماییم.

اسلام دربرگیرنده‌ی تمامی رسالت‌های آسمانی (پیشین) است

اکنون برای در نظر گرفتن آیاتی قرآنی صریح‌تر در توصیف این مذهب ذاتی:

«بگو: ما به خدا اعتقاد داریم و آنچه به ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و آنچه که به موسی و عیسی و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شد. ما هیچ فرقی میان هیچ یک از آنها قایل نیستیم و به او تسلیم شده‌ایم (اسلام آورده‌ایم).»

سپس این آیه می‌آید:

" و هر کس که دینی غیر از اسلام بجوید، از او پذیرفته نخواهد شد، او در آخرت خسران خواهد دید. (۸۵-۸۴:۳)

اکنون در حالی که از این جمله‌ی آخر از نقطه نظر کلامی به معنای تلقی اسلام به عنوان تنها مذهب راستین برداشت می‌شود که به عنوان دین نازل شده بر آخرین پیغمبر خدا تعریف شده است، همچنین می‌تواند به عنوان تایید

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

اعتبار ذاتی تمام پیام وحی شده بر همه‌ی پیامبران ذکر شده در آیه قبلی باشد. «اسلام» در نتیجه دربرگیرنده‌ی همه‌ی رسالت‌های آسمانی است که در نتیجه می‌تواند به عنوان جنبه‌های متفاوت بسیاری از خودافشایی واقعیت الهی یکسان و مشابه دیده شود.

جهان‌شمول بودن این دین به روشنی در آیات زیر تأکید شده‌اند:

«برای هر امتی رسولی وجود دارد.» (۱۰:۴۷).

«بی‌شک قبل از تو پیامبرانی فرستادیم که در میانشان آن کسانی هستند که با تو درباره‌ی آنها سخن گفته‌ایم و آنانی که با تو درباره‌ی آنها سخن نگفته‌ایم.» (۴۰:۷۸).

«و ما هیچ پیامبری را قبل از تو نفرستادیم مگر آنکه به آنها وحی کردیم با گفتن "هیچ خدایی جز من نیست، بنابراین مرا پرستش کنید"» (۲۱:۲۵).

«هیچ چیزی به تو گفته نشده است مگر آنکه قبلاً به پیامبران پیش از تو گفته شده باشد.» (۴۱:۴۳).

تنوع راهها به اراده و خواست الهی است

پذیرش مفهوم «دین ذاتی یا چنین مذهبی، به هیچ وجه به معنای محو تفاوت میان ادیان نبوده و در واقع تنوع ظاهری مذهبی را پیش‌فرض می‌داند و نه تنها آن را به عنوان یک تمایز تاسف‌بار نمی‌داند بلکه آنرا ضرورتی می‌داند که به اراده‌ی خدا ایجاد شده است. آیات زیر این مفهوم قاعده‌مند شده را پشتیبانی می‌کند که از یک سو، عنصر درونی دین را که در ذات همه‌ی مذاهب آسمانی وجود دارد به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر ضرورت پیروی از قانون یک دین خاص را تصریح می‌کند.

به هر یک از شما قانونی و راهی (شریعتاً و منهاجاً) تخصیص داده‌ایم. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست شما را یک امت قرار دهد. اما او شما را با آنچه به شما عطا کرده است (شما را آنگونه ساخته است که هستید) آزمایش می‌کند. بنابراین از یکدیگر در اعمال صالح سبقت بگیرید. به سوی خدا همگی بازخواهید گشت و او شما را درباره‌ی آنچه در آن (با دیگران) متفاوت بوده‌اید آگاه خواهد کرد. « (۵:۴۸).

«به هر جامعه‌ای مناسب مقدسی دادیم که باید آنها را به جا آورند؛ بنابراین نگذار بر سر این موضوع با تو به بحث و جدل پردازند بلکه آنها را به خداوند حواله کن.» (۲۲:۶۷)

رستگاری به مؤمنان وعده داده شده است.

در یک آیه‌ی مهم دیگر، تعریفی موجز از آنچه این مذهب درونی ذاتی را تشکیل می‌دهد به ما داده می‌شود. این آیه همچنین به عنوان یکی از مهمترین اسناد متنی در قرآن برای اثبات این اصل است که رسیدن به رستگاری منحصر به اسلام یا دین خاصی نمی‌شود:

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

«به راستی کسانی که ایمان دارند و کسانی که یهودی، مسیحی و صابئی هستند- هر آن کس به خدا و روز آخر ایمان دارد و باتقوا است- به یقین پاداش آنان نزد پروردگارشان است و هیچ ترسی بر آنها فائق نخواهد آمد و نه آنها غمگین خواهند شد. (۲:۲۶)».

رد انحصارطلبی و ملی‌گرایی مذهبی

نگرشی که از چنین تعریف فراگیری از رستگاری برمی‌آید توسط آیات دیگری تقویت می‌شود که به صراحت از ملی‌گرایی مذهبی انتقاد می‌کنند. به عنوان مثال:

«و می‌گویند: هیچ کس وارد بهشت نمی‌شود مگر آن که یهود و یا مسیحی باشد. این خواسته‌های خودشان است. بگو: برهان خویش را بیاورید اگر راستگو هستید. نه! وانگهی هر آن کس که نیت خود را تسلیم خدا می‌کند و تقوی پیشه کند، آنگاه پاداش او نزد خدا است و هیچ ترسی بر آنها فائق نخواهد آمد و نه آنها غمگین خواهند شد (-۱۱۱:۲)».

این آیه همچون حمله‌ای متقابل به انحصارطلبی بی‌جا به میدان می‌آید. این آیه ادعای انحصارطلبی یهودیان و مسیحیان را با انحصارطلبی متقابل نقض نمی‌کند، یعنی با این ادعا که تنها «مسلمانان» به معنای خاص آن، به بهشت می‌روند. دایره‌ی رسیدن به رستگاری، نه تنها با ارجاع به حقوق ممتاز یک گروه «دیگر» تنگتر نمی‌شود بلکه گسترده می‌شود و در واقع جهان‌شمول می‌گردد: کسانی که به رستگاری می‌رسند و وارد بهشت می‌شوند کسانی هستند که از صمیم قلب تسلیم خدا می‌شوند و ذات‌شان وارسته است. ایمان جفت شده با تقوی: این دو لازمه‌های ضروری رستگاری هستند.

به این ترتیب، این استدلال کاملاً توجیه‌پذیر است که این آیه به انحصارطلبی اهل کتاب «نوعی خاص» پاسخ نمی‌دهد بلکه پاسخ آن در سطحی کاملاً متفاوت است، سطحی مافوق بحث کلامی یا ماوراءالطبیعه‌ای که ورائی تمامی تعاریف متداول، برچسب‌های مرسوم، پایبندی‌های اقلیتی و وابستگی‌های گروهی است.

این مفهوم مافوق مرزبندی‌های مرسوم با آیات زیر بیشتر تقویت می‌شود:

«نه مطابق خواسته‌های شما خواهد بود و نه خواسته‌های اهل کتاب. آن کس که بدی کند کیفر آن را خواهد دید و به جز خداوند هیچ پشتیبان و یآوری نخواهد یافت.»

و هر کس خواه مرد یا زن، که اعمال صالح انجام دهد، و مؤمن باشد، بدین گونه وارد بهشت خواهد شد و به اندازه‌ی فرو رفتگی هسته‌ی خرمایی بدی نخواهد دید.»

"چه کسی بهتر است در دین از آن کس که وجه خود را تسلیم خدا کند، در حالی که تقوا دارد و از امت ابراهیم حنیف پیروی کند؟ (۱۲۵-۱۲۴:۴)"

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

می توان چنین برداشت کرد که این آیات بر این دلالت دارند که چنانچه «خواسته‌های» مسلمان این است که رستگاری منحصر به مسلمانان در معنی خاص امت آن است، آنها در همان گروه انحصارطلبی قرار می‌گیرند که مسیحیان و یهودیان به آن متهم هستند. لازم به ذکر است که برای هر دو «خواسته‌های» یهودیان و مسیحیان و «خواسته‌های» مسلمانان یک کلمه‌ی یکسان «امانی» استفاده شده است.

مراقب باشید که از محدود کردن خداوند به باورهای خود بپرهیزید

به این ترتیب، هشدار مشهور ابن عربی نسبت به محدود کردن خدا در قالب عقیده‌ی خود کاملاً مطابق با محور این بحث قرآنی است:

«بپرهیزید از مقید شدن به مرام و منشی خاص و رد عقاید دیگر به عنوان بی‌ایمانی! (از) تلاش در این که خود را به عنصر اصلی برای همه اشکال باور دینی بدل سازید. خدا بزرگتر و گسترده تر از آن است که به یک مرام خاص با رد دیگران محدود شود. چرا که او می گوید، "به هر جهت که رو نمایید، وجه خداوند در آنجا موجود است.»

نظریه‌ی نسخ

ما همچنین می توانیم برای یک پاسخ صوفیانه‌ی قانع‌کننده به مفهوم شرعی سنتی نسخ سایر ادیان توسط اسلام به ابن عربی مراجعه کنیم. پروفیسور جینتیک در کتابی جدید درباره‌ی ابن عربی و مشکل تنوع مذهبی، این نکته‌ی مهم را روشن می‌کند. ابن عربی در یک بحث مناظره‌ای درخشان، تمامی نظریه‌ی نسخ را از مبنایی برای رد ادیان دیگر به استدلالی برای اعتبار ادیان دیگر تبدیل می‌کند: یکی از دلایل برتری اسلام دقیقاً این واقعیت است که مسلمانان مکلفند که به همه‌ی پیامبران قبلی و نه فقط به پیامبر اسلام ایمان داشته باشند:

«تمام ادیان آسمانی چراغ‌هایی هستند. در میان این ادیان، دین آسمانی محمد مانند نور خورشید در میان نورهای ستارگان است. وقتی خورشید طلوع می‌کند، نورهای ستارگان پنهان می‌شوند و نورهای آنها در نور خورشید گنجانده می‌شود. پنهان شدن آنها نسخ دیگر ادیان آسمانی است که از طریق دین آسمانی محمد صورت می‌گیرد. با این حال، آنها برآستی وجود دارند، همان گونه که نور ستارگان وجود دارد. به همین دلیل است که ما در دین فراگیرمان مکلف شده‌ایم که به حقیقت همه‌ی پیامبران و همه‌ی ادیان آسمانی باور داشته باشیم. آنها با این نسخ ابطال نشده‌اند؛ این (ابطال ادیان قبلی) عقیده‌ی جاهلان است.»

جهان‌شمول در مقابل محدود به بستر

نهایتاً باید به این واقعیت اشاره کرد که قرآن حاوی آیاتی است که ماهیتی جدلی دارند. از این آیات چه برداشتی باید کرد؟ برای پاسخ مختصر به این پرسش می‌گوییم که که اولویت باید به آن آیاتی داده شود که به وضوح ماهیت اصلی یا جهان‌شمول دارند، بر خلاف آیاتی که به وضوح، ذاتاً به بستری خاص محدودند: محدود به بستر از این نظر که نه تنها محدود به شرایط خاصی هستند که قرآن به آنها واکنش نشان داده است، بلکه محدود به بستر از این نظر که به

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

وضوح در بستر دیگرگرایی کلامی یا مناقشات درون‌جامعه‌ای قرار می‌گیرند- دقیقاً همان بستری که با بینشی که از آیات مذکور برداشت می‌شود، از آن فراتر می‌رویم.

مکان‌هایی که خدا در آنها نیایش می‌شود

دوم اینکه حتی در قرائتی انحصارطلبانه از قرآن هیچ‌گونه توجیهی برای عدم مدارای مذهبی و به خصوص برای آزار غیرمسلمانان به هیچ عنوان وجود ندارد: در واقع مسلمانان مکلف شده‌اند که در صورت لزوم با جان خود از کلیساها و کنیسه‌ها و نه تنها مساجد دفاع کنند- که همه‌ی آنها توسط قرآن به عنوان مکان‌هایی توصیف شده‌اند «که در آنها نام خدا بسیار نیایش می‌شود» (۴۰:۲۲). همچنین باید در این رابطه به اعمال ثبت شده در تاریخ اشاره کرد که بر مدارایی دلالت دارد که توسط خود پیامبر متجلی شده است- برای مثال در معاهده‌ی مدینه، که در آن به یهودیان حقوق مساوی با مسلمانان داده شده بود؛ در معاهده‌ی امضا شده با راهبان صومعه‌ی سنت کاترین در صحرای سینا؛ و به خصوص این واقعیت که در میانه‌ی رشته‌ای طولانی از بحث‌های اغلب شدیداً کلامی با نمایندگان مسیحی از نجران، پیامبر مسیحیان را به انجام عبادت جمعی خود در مسجد وی دعوت نمود.

عطر عالمگیر معشوق

در اینجا می‌توان در واقع، نمونه‌ای کامل از اینکه چگونه اختلاف در بستر تعصب می‌تواند با احترامی عمیق در بستر برتر اخلاص مذهبی همزیستی نمایند. می‌خواهم در اینجا از بحث اصلی جدا شده و اندکی درباره‌ی مولانا جلال‌الدین رومی سخن بگویم، چرا که مثال وی از سنت یا راه نبوی، پیش‌زمینه‌ی خوبی است که بر اساس آن می‌توان قطعه‌ی مهمی از کتاب «مباحث» وی را که در ادامه می‌آید، ارزیابی کرد. در بخشی از این کتاب، او به وضوح یک مسیحی به نام جراح را برای ادامه‌ی اعتقاد به تعصبات موروثی خاص مسیحی و به طور خاص، این عقیده که مسیح خدا است، به شدت سرزنش می‌کند اما این اختلاف نظر در بستر تعصب، مولانا را در بینش باشکوه وی از روح مشرف بر همه‌ی اشکال دینی غافل نمی‌کند- مضمونی که در اشعار مولانا فراوان تکرار می‌شود- و مانع گفتمان عملی و الهام متقابل نمی‌شود. به تعبیر مولوی:

«روزی در میان گروهی از مردم سخن می‌گفتم و جماعتی از غیر مسلمانان حضور داشتند. در میانه‌ی سخن من، آنها شروع به گریه کردند و به وجد و هیجان آمدند. شخصی پرسید: "آنها چه می‌فهمند و چه می‌دانند؟ فقط یکی در هزار مسلمان این گونه سخنان را درک می‌کند. آنها چه می‌فهمند که می‌گیرند؟" استاد [خود مولانا] پاسخ داد: "لازم نیست که آنها صورت بحث را درک کنند؛ آنها آنچه ریشه و اصل بحث را تشکیل می‌دهد، درک می‌کنند. از همه چیز گذشته، همگان یگانگی خدا را تصدیق می‌کنند، این که او است خالق و روزی‌رسان، که او بر همه چیز ناظر است، به او همه چیز باز می‌گردد و اوست که مجازات می‌کند و می‌آمرزد. اگر هر کسی این کلمات را بشنود، که تکریم و ذکر خداست، شوری عالمگیر و وجدی روح‌انگیز در او می‌افتد چرا که از این کلمات، بوی معشوق آنها و آنچه (آنها نیز) می‌جویند می‌آید.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

گفتمان معنوی به رغم اختلاف‌های کلامی

در این بخش برای مفهوم گفتمان معنوی خلاق تعریفی روشن ارایه شده است. پذیرش معنویت ذاتی، آن گونه که در فطرت ریشه دارد، جوهره‌ی اساسی روح انسان را تشکیل می‌دهد و این معنویت ذاتی در مرزبندی‌های مرسوم هیچ مذهبی نمی‌گنجد. مولانا منکر این واقعیت نیست که مسلمانان و غیرمسلمانان بر سر تعصبات خاصی اختلاف نظر دارند، ولی بیشتر از آن اعتبار همیشگی گفتمان معنوی را تصدیق و تأکید می‌کند؛ شیوه‌ای از گفتمان که علی‌رغم اختلاف‌نظرهای کلامی به ثمر می‌نشیند.

این به این دلیل است که پذیرش درخور جوهر روحانی، متاعی بی‌نهایت بزرگتر از محدودیت‌های متناسب با همه‌ی تصورات ذهنی است. این گونه است که می‌توان گزاره‌ی زیر را فهمید، که در آن چیزی اساسی‌تر از هر دوی ایمان و کفر، از مرتبه‌ای که این دوگانگی در آن وجود دارد، فراتر می‌رود:

«...همه‌ی انسان‌ها در قلب باطنی خود خدا را عشق می‌ورزند و او را می‌جویند، او را عبادت می‌کنند و در همه چیز به او امید می‌بندند و هیچ کس به جز او را به عنوان قادر مطلق و صاحب امور خود نمی‌شناسند. چنین احساسی نه کفر است و نه ایمان. این بعد درونی اسمی ندارد.»

این دیدگاه با اظهارات زیر در همان کتاب تثبیت شده است. وی می‌گوید عبادت، از مذهب به مذهب دیگر متفاوت است، اما «دین در هیچ مذهبی متفاوت نیست؛ حالت‌ها، مرکز گرایش و سایر جنبه‌ها ثابت و یکسانند.»

«عشق به خالق در تمام دنیا و در همه‌ی انسان‌ها نهفته است، خواه مانوی، یهودی و یا مسیحی باشند.»

پرداختن به آیات جدلی در قرآن

اکنون، برای بازگشت به آیات بحث‌انگیز موجود در قرآن، باید با آنها با توجه به دستور قرآن مبنی بر شرکت در گفتمانی سازنده و اجتناب از مناقشه با توجه به حضور تقوا و اعتقاد به ادیان دیگر نیز برخورد کرد تا تعادل حاصل شود. این امر نه تنها به گونه‌ای تلویحی از طریق تفسیر معنوی آیات، بلکه در برخی آیات به صراحت ذکر می‌شود از جمله:

«آنها همه یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، جامع‌های ثابت‌قدم وجود دارند که به تلاوت آیات الهی شب زنده‌داری می‌کنند و به سجده می‌افتند.»

«آنها به خدا و روز قیامت ایمان دارند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با یکدیگر در کارهای صالح رقابت می‌کنند. اینان صالحان‌اند.»

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

«و هر چه کار خوب انجام دهند، از آنها جدا نخواهد شد (ترجمه‌های دیگر را مطالعه نمایید) و خدا پارسایان را می‌شناسد.» (۱۱۴-۱۱۳:۳).

«نزدیک‌ترین آنها (اهل کتاب) را دوست‌دار کسانی خواهی یافت که باور دارند که همان کسانی هستند که می‌گویند: همانا ما مسیحی هستیم. این بخاطر آن است که در میان آنها کشیشان و راهبان وجود دارند و آنها متکبر نیستند.» (۵:۸۲)

«من به هر کتاب آسمانی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و به من امر شده است که در میان شما به عدالت رفتار کنم. خداوند پروردگار ما و پروردگار شماست. اعمال ما به ما و اعمال شما به شما تعلق دارد؛ میان ما و شما هیچ جدلی نیست. خدا ما را به یکدیگر نزدیک خواهد نمود و مقصد سفر به سوی اوست.» (۴۲:۱۵۰).

و در نهایت:

«با حکمت و موعظه‌ی منصفانه به راه پروردگارت دعوت کن و با آنها را به بهترین وجه بحث نما.» (۱۶:۱۲۵).
حال برای کسانی که مایلند به گفتمان با مذاهب دیگر و نمایندگان آنها بپردازند، سؤال کلیدی حول این امر است که هر کس این بهترین (احسن) وجه احسن را چگونه درک می‌نماید. از شخص مؤکداً خواسته شده است که از عقل خود، برای بحث با «دیگر» مذهبی به گونه‌ای که با عقلانیت تطابق دارد استفاده نماید که با همنوایی کامل با چارچوب مشخص وضعیت گفتمانی خود است.

پافشاری بر آنچه وحدت‌آفرین است

برای مسلمانان ساکن غرب، زمانی که جایگزین گفتمان نه تنها انتقاد بلکه برخورد خشونت‌آمیز است، ضرورت برجسته کردن آنچه ادیان مختلف را متحد می‌سازد، یعنی میراث معنوی مشترک نوع بشر از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. شواهد فراوانی در متن خود قرآن و تفسیرهایی قانع‌کننده بر این آیات توسط برجسته‌ترین شخصیت‌های سنت معنوی اسلام وجود دارد تا ثابت کند که قرآن نه تنها بینشی جهان‌شمول از مذهب و در نتیجه وسیله‌ی درک تمامی ادیان «نشانه»‌های (آیات) خدا را در اختیارمان قرار می‌دهد، بلکه چشم‌اندازی از گفتمان خلاق و سازنده بین پیروان تمامی جوامع مختلف مذهبی علی‌رغم نظام متفاوت عقیدتی‌شان می‌گشاید؛ قرآن مبنایی برای گفتمان و غنای متقابل در سطحی اساسی‌تر در اختیارمان می‌گذارد؛ سطحی از ارزش‌های تغییرناپذیر، بینش ماوراءالبیعه‌ای، الهام فکری و ادراک معنوی.

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.